



ÁEIN-E HOKMRANI (Scientific Journal on The Islamic Governance)  
Vol.3 / No.5 / Spring & Summer 2025  
P-ISSN: 2980-7808  
E-ISSN: 3092-7919  
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

## The Institutional position of Futures Studies in Islamic Governance

Seyyed Gholamreza Mousavi

Assistant Professor, Department of Applied Jurisprudence, Faculty of History and Political Studies, Baqir-ul-Ulum University, Qom, I. R. Iran  
Email: [gholamrezamousavi1348@gmail.com](mailto:gholamrezamousavi1348@gmail.com)



### Citation

Mousavi, S. G. (2025). The Institutional position of Futures Studies in Islamic Governance. *Aeine Hokmrani*, 3(5), 265-291

[10.22034/ah.2025.2060947.1045](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2060947.1045)

Type of Article: Research Article

Received: 17 August 2024

Revised: 28 December 2024

Accepted: 27 February 2025

Publish Online: 22 June 2025

### Abstract

In the contemporary world, characterized by rapid changes, increasing complexities, and structural uncertainties, futures studies have transformed from a technical tool into a strategic necessity for survival, development, and civilization-building. The main issue of this study is to examine the role of futures studies within Islamic governance based on the principle of Wilayat, and to explore how it can be institutionalized through an efficient organizational framework. The research hypothesis posits that achieving foresighted governance in the Islamic Republic of Iran requires the establishment of an independent and specialized institution under the authority of the *Velayat-e Faqih* (Guardianship of the Islamic Jurist). This institution would integrate exploratory and normative approaches to design the system's civilizational vision, monitor developments, and guide macro-level policies. The present study, employing a descriptive-analytical methodology with a prescriptive approach and drawing on the theoretical framework of a "systems perspective on governance," analyzes the strategic position of the *Velayat-e Faqih* as the balancing axis of the Islamic system in futures studies and high-level decision-making. The findings of the study indicate that futures studies within the Islamic governance system are not merely a managerial tool; rather, they constitute a wisdom-based and divine-oriented mechanism to clarify the societal trajectory and realize divine promises. The innovation of this research lies in the fact that, for the first time, the institutional position of the "Futures Studies Center" under the Strategic Planning and Supervision Organization of the *Velayat-e Faqih* is analyzed and conceptualized both theoretically and structurally. This model can enhance synergy among the country's futures studies institutions, prevent duplication of efforts, and ensure the cohesion of foresight knowledge within the Islamic system.

### Keywords

Islamic governance, futures studies, Velayat-e Faqih, Strategic Planning and Supervision Organization, Futures Studies Center, civilizational vision.

E  
EII  
A  
I

Scientific Journal on The Islamic Governance  
Vol.3 / No.5 / Spring & Summer 2025



Publisher: Publications Organization of the Research Institute of Islamic Culture and Thought  
© The Author(s)





## جایگاه نهادی آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی

سید غلامرضا موسوی

استادیار، گروه فقه مضاف، دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، جمهوری اسلامی ایران  
Email: [gholamrezamousavi1348@gmail.com](mailto:gholamrezamousavi1348@gmail.com)



### استناد به این مقاله:

موسوی، سید غلامرضا (۱۴۰۴). جایگاه نهادی آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی، نشریه آیین حکمرانی، ۳ (۵)، ۲۶۵-۲۹۱

[10.22034/ah.2025.2060947.1045](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2060947.1045)

نوع مقاله: پژوهشی  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸  
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

### چکیده

در جهان معاصر که با تحولات شتابان، پیچیدگی‌های فزاینده و عدم قطعیت‌های ساختاری روبه‌رو است، آینده‌پژوهی از یک ابزار فنی، به ضرورتی راهبردی برای بقا، پیشرفت و تمدن‌سازی تبدیل شده است. مسئله اصلی این پژوهش، آن است که آینده‌پژوهی چه جایگاهی در حکمرانی اسلامی بر پایه ولایت دارد و چگونه می‌توان آن را در قالب یک ساختار کارآمد نهادینه کرد. فرضیه پژوهش به دنبال این است که تحقق حکمرانی آینده‌نگر در جمهوری اسلامی ایران، نیازمند تأسیس نهادی مستقل و تخصصی ذیل نهاد ولایت است که با تلفیق رویکردهای اکتشافی و هنجاری، چشم‌انداز تمدنی نظام را طراحی، تحولات را رصد کرده و سیاست‌های کلان را هدایت کند. پژوهش پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تجویزی و با بهره‌گیری از چهارچوب نظری «نگرش سیستمی به حکمرانی»، جایگاه راهبردی ولایت فقیه را به‌عنوان محور تعادل‌بخش نظام اسلامی در آینده‌پژوهی و تصمیم‌سازی کلان تحلیل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که آینده‌پژوهی در منظومه حکمرانی اسلامی، تنها ابزاری مدیریتی نیست، بلکه افزون‌بر آن سازوکاری حکمت‌محور و الهی برای تبیین مسیر حرکت جامعه و تحقق وعده‌های الهی است. نوآوری این پژوهش، بیانگر آن است که برای نخستین بار، جایگاه نهادی «مرکز آینده‌پژوهی» ذیل سازمان برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی نهاد ولایت به‌صورت نظری و ساختاری تحلیل و تبیین می‌شود؛ الگویی که می‌تواند هم‌افزایی میان نهادهای آینده‌پژوهی کشور را تقویت کرده، از موازی‌کاری جلوگیری کند و انسجام دانش آینده‌نگر نظام اسلامی را فراهم آورد.

واژگان کلیدی

حکمرانی اسلامی، آینده‌پژوهی، ولایت فقیه، سازمان برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، مرکز آینده‌پژوهی، چشم‌انداز تمدنی.



مقدمه

آینده‌پژوهی، دانشی نوپدید، اما ریشه‌دار در سنت اندیشیدن بشر به فرجام امور است. از روزگاران نخستین، انسان همواره کوشیده است تا با بهره‌گیری از ابزارهایی چون نشانه‌های طبیعی، پیشگویی و تجربه زیسته، تصویری از آینده خود بسازد و در برابر ناشناخته‌ها آمادگی یابد. باین حال در عصر کنونی که جهان با شتابی بی‌سابقه در حال دگرگونی است و جوامع با محیطی ناپایدار، پیچیده، مبهم و سرشار از عدم قطعیت روبه‌رو هستند، آینده‌پژوهی، تنها یک کنجکاوی فردی یا ابزاری فنی نیست، بلکه به ضرورتی حیاتی برای بقا و تعالی نظام‌های اجتماعی و سیاسی بدل شده است.

آینده‌پژوهی به‌مثابه دانشی بین‌رشته‌ای، باتکیه بر شواهد عینی، تحلیل روندها، سناریونویسی و مشارکت فعال نخبگان، می‌کوشد تا مسیرهای ممکن، محتمل و مطلوب آینده را ترسیم کرده و زمینه تصمیم‌سازی خردمندان را در سطوح فردی، نهادی و حکومتی فراهم آورد. این دانش - به‌ویژه در دوره‌ای که مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی در حال بازتعریف‌اند - نقشی کلیدی در تاب‌آوری، رقابت‌پذیری و توسعه تمدنی جوامع ایفا می‌کند.

ازسویی در منظومه فکری اسلام، حکمرانی، تنها به‌معنای مدیریت روزمره نیست، بلکه فرایندی الهی برای هدایت جامعه به‌سوی رشد، عدالت و تحقق آرمان‌های الهی در چهارچوب «ولایت» است. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در تبیین جایگاه رهبری در این نظام فرموده‌اند: «رهبری، ناظر بر حرکت کلی نظام است و مدیر کلان ارزشی است»<sup>۱</sup>. ازاین‌رو آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی، افزون بر معنای رایج، یک وظیفه راهبردی برای تحقق هدایت نرم، هوشمند و تمدن‌ساز است؛ سازوکاری برای رصد سنت‌های الهی در تاریخ، پیش‌بینی مسیرهای محتمل و طراحی سناریوهایی برای تحقق وعده‌های بزرگ الهی. در چنین چهارچوبی، آینده‌پژوهی نه یک ابزار فنی صرف، بلکه سازوکاری برای تبیین سنت‌های الهی، تدبیر امور و جهت‌دهی حکمت‌آمیز به مسیر امت اسلامی است.

براین اساس آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی، افزون بر مأموریت‌های رایج، باید

۱. بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان کرمانشاه، در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۶. آدرس: <https://khl.ink/f/17597>

جایگاه نهادی آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی

چشم‌انداز تمدنی اسلام را در افق‌های بلندمدت ترسیم کرده، خطرات را پیش‌بینی کند، ظرفیت‌ها را فعال ساخته و مسیر حرکت جامعه را راهبری کند؛ به‌ویژه در جهانی متحول و پرشتاب، نیاز به نهادینه‌سازی آینده‌نگری در ساختار حکمرانی اسلامی ضرورتی راهبردی است. به‌بیان‌دیگر آینده‌پژوهی برای جمهوری اسلامی ایران نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی راهبردی برای پیشرفت، عدالت و بقا در دنیای متغیر امروز است. تنها از مسیر آینده‌نگری مبتنی بر حکمت می‌توان ظرفیت‌های ملت را سامان داد و نظام اسلامی را به‌سوی تمدن نوین اسلامی در تراز انقلاب رهنمون کرد.

پرسش اصلی پژوهش، از دل این ضرورت چنین صورت‌بندی می‌شود که چگونه می‌توان آینده‌پژوهی را به‌مثابه سازوکاری مؤثر در هدایت راهبردی نهاد ولایت در حکمرانی اسلامی مستقر کرد؟ بر پایه همین پرسش، فرضیه پژوهش بیان می‌کند که تحقق حکمرانی آینده‌نگر در جمهوری اسلامی ایران نیازمند تأسیس نهادی مستقل و تخصصی ذیل نهاد ولایت است؛ نهادی که با تلفیق رویکردهای اکتشافی و هنجاری، چشم‌انداز تمدنی نظام را طراحی، تحولات را رصد و سیاست‌های کلان را راهبری کند.

در این چهارچوب، پیشنهاد شکل‌گیری «مرکز آینده‌پژوهی» ذیل «سازمان برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی» نهاد ولایت (موسوی، ۱۴۰۲) پاسخی نهادینه و حکمت‌مدار به این ضرورت تمدنی است. این مرکز با تأسیس مرکز آینده‌پژوهی می‌تواند به‌مثابه بازوی دانشی ولایت، نقشه راه نظام اسلامی را بر پایه روش‌های اکتشافی و هنجاری ترسیم کند؛ از طراحی چشم‌اندازها و سیاست‌های کلان گرفته تا هشدار درباره روندهای واگرا و تهدیدات نوپدید.

## ۲. پیشینه آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی به‌عنوان تلاشی نظام‌مند برای شناخت، تحلیل و شکل‌دهی آینده، ریشه‌ای ژرف در تاریخ تمدن انسانی دارد. از بدو پیدایش خودآگاهی در بشر، میل به دانستن آینده و آمادگی برای رویارویی با آن، از خواسته‌های اساسی انسان بوده است. انسان باتکیه‌بر نیروی تخیل، توانسته است از زمان حال فراتر رود و آینده‌هایی را تصور و طراحی کند که

گاه شگفت‌انگیز، امیدبخش یا هشداردهنده بوده‌اند. این تمایل ریشه‌دار، به اشکال مختلفی در تاریخ بروز یافته است؛ از پیشگویی‌های اسطوره‌ای و فعالیت‌های معابد باستانی، همچون معبد دلفی در یونان، گرفته تا تلاش‌های منظم در علم نجوم و تعبیر خواب در فرهنگ‌های مختلف.

آینده‌نگری در بستر ادیان الهی نیز جایگاه مهمی دارد. متون مقدس، همچون قرآن، سرشار از اشاراتی به آینده و هشدارها و بشارت‌هایی است که با هدف هدایت انسان در مسیر درست ارائه شده‌اند. نمونه شاخص آن خواب عزیز مصر و تفسیر آن به وسیله حضرت یوسف علیه السلام است که نه تنها نگاهی به آینده داشت، بلکه سیاست‌گذاری برای مواجهه با آن را نیز ممکن ساخت. در سنت اسلامی، انبیا و اولیا، به مدد وحی یا الهام الهی، افق‌هایی از آینده را ترسیم کرده‌اند. در سنت فلسفی غرب، نخستین تلاش‌ها برای طراحی آینده مطلوب، در قالب «آرمان‌شهر» یا «مدینه فاضله» صورت گرفت. فیلسوفانی چون افلاطون (Plátōn) و در دوران جدید، توماس مور، کوشیدند تا با ترسیم جامعه‌ای ایده‌آل، به آینده جهت‌دهی کنند. در قرون بعد، نویسندگانی مانند نوستر آداموس (Nostradamus) و ادوارد بلامی (Edward Bellamy) با آثاری چون سده‌ها و بازگشت به آینده، به دنبال آن بودند تا چشم‌اندازهایی از تحولات آینده ارائه دهند. این آثار، هرچند آمیخته با تخیل و گاه غیرمستند بودند، اما نشان‌دهنده تداوم علاقه انسان به آینده‌اندیشی بودند.

ورود آینده‌پژوهی به حوزه علم، نقطه عطفی در این روند تاریخی است. نخستین تلاش‌های علمی در این زمینه را می‌توان در پژوهش‌های جامعه‌شناختی ویلیام اف. آگبرن (William Fielding Ogburn) در دهه ۱۹۲۰م مشاهده کرد. در میانه قرن بیستم و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، ضرورت پیش‌بینی فناوری‌های نوظهور در رقابت‌های جهانی، آینده‌پژوهی را وارد مرحله‌ای تازه کرد. در سال ۱۹۴۵م، مؤسسه «رند» پروژه‌ای را برای پیش‌بینی تحولات فناورانه یک قرن آینده آغاز کرد تا بتواند زمینه‌ساز برتری آمریکا در رقابت با شوروی باشد (پرومیچیچ، ۱۳۸۷، ص ۱۰).

از دهه ۶۰ میلادی، آینده‌پژوهی به صورت یک رشته مستقل علمی سامان یافت و نخستین

دوره رسمی آن به‌وسیله جیمز آلن دیتور (James Allen Dator) در دانشگاه ویرجینیا برگزار شد. در سال ۱۹۶۷م، نخستین کنفرانس جهانی آینده‌پژوهی در اسلو تشکیل شد. در همین دهه‌ها، نظریه‌پردازان جدیدی همچون رولف کریبچ (Rolf Kreibich) و ریک اسلاتر (Rick Slaughter) تلاش کردند تا آینده‌پژوهی را به سیاست‌گذاری عمومی و طراحی راهبردی پیوند بزنند. درعین حال نقدهایی هم مطرح شد؛ از جمله دیدگاه «ضیاءالدین سردار» در مقاله «استعمار آینده» است که خواستار بومی‌سازی آینده‌پژوهی و پرهیز از سیطره گفتمان غربی بر آن بود (ملکی‌فر، ۱۳۹۳، ص ۲۱ و ۲۲).

از دهه ۱۹۹۰م به بعد، آینده‌پژوهی وارد مرحله سازمان‌یافته‌تری شد و کشورهای پیشرفته و درحال توسعه، آن را به‌عنوان ابزاری در خدمت سیاست‌گذاری علم و فناوری پذیرفتند. سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO) و اتحادیه اروپا نیز مراکز خاصی برای مطالعات آینده‌پژوهی تأسیس کردند. در این سال‌ها، آینده‌نگاری به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از آینده‌پژوهی مطرح شد که با نگاه ارزشی و هدف‌مند، به این می‌پردازد که «چه آینده‌ای باید ساخته شود»، نه صرفاً «چه آینده‌ای ممکن است رخ دهد» (رحیم کارگر، ۱۳۸۸).

در مجموع، پیشینه آینده‌پژوهی از تجربه‌های شهودی و دینی آغاز شده، با نظریه‌پردازی‌های فلسفی گسترش یافته و در نهایت به صورت یک نظام علمی و راهبردی در عرصه‌های مختلف حیات بشر، از جمله سیاست، اقتصاد، علم و فرهنگ جای خود را باز کرده است. امروزه آینده‌پژوهی نه تنها ابزار شناخت آینده، بلکه ابزاری برای ساخت آن است. به موازات این جریان، در جمهوری اسلامی ایران نیز در دهه‌های اخیر، مراکز متعدد دولتی، حوزوی، نظامی و دانشگاهی به صورت رسمی و تخصصی و یا یکی از مأموریت‌های تعریف شده برای آنان به آینده‌پژوهی پرداخته‌اند. از جمله نهادهای مهم ایرانی در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری: به‌عنوان بازوی مشورتی دولت در تحلیل روندها و طراحی سناریوهای راهبردی؛

۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: تحلیل آینده حوزه‌هایی چون اقتصاد، امنیت و فرهنگ؛
  ۳. گروه پژوهشی شاخص‌سازی و آینده‌پژوهی معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک: تمرکز بر آینده امنیت ملی، الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی و چشم‌انداز بیست‌ساله؛
  ۴. مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب (وابسته به اتاق بازرگانی): فعال در زمینه آینده منابع طبیعی، امنیت غذایی و اقلیم؛
  ۵. مرکز رصد فرهنگی وزارت ارشاد: در حوزه سبک زندگی، فرهنگ دیجیتال و فضای مجازی؛
  ۶. سازمان پدافند غیرعامل کشور: یکی از مأموریت‌های سناریونویسی برای تهدیدات نوظهور سایبری است؛
  ۷. مرکز آینده‌پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم): در زمینه آینده دین، تعلیم و تربیت و تمدن نوین اسلامی؛
  ۸. سازمان برنامه و بودجه کشور: در این سازمان «مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری» با مأموریت پاسخگویی به نیازهای پژوهشی نظام حکمرانی در زمینه توسعه و پیشرفت بر پایه آینده‌نگری تأسیس شده است؛
  ۹. مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی وابسته به مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی: یکی از مأموریت‌های این مرکز، تحلیل آینده تهدیدات و ظرفیت قدرت ملی است؛
  ۱۰. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: از مهمترین نهادهای آینده‌نگر در سطح راهبردی کشور، با هدف طراحی الگوی بومی پیشرفت؛
  ۱۱. مرکز مطالعات راهبردی حوزه‌های علمیه: یکی از وظایف این مرکز آینده‌پژوهی حوزه‌های علمیه است؛
  ۱۲. مرکز آینده‌پژوهی دانشگاه امام صادق (ع): فعال در زمینه آینده‌پژوهی اسلامی، سیاست‌گذاری فرهنگی و گفتمان‌سازی تمدنی.
- نهادینه‌شدن آینده‌پژوهی در این مراکز و سایر مراکزی که نام آنها نیامد، نشان‌دهنده درک فزاینده از ضرورت شناخت آینده برای سیاست‌گذاری مطلوب در سطح ملی است. با این همه

جایگاه نهادی آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی

همانگی میان این نهادها و بهره‌گیری از رویکردهای هم‌افزا و بین‌رشته‌ای در سطح کلان، همچنان از نیازهای توسعه این حوزه در کشور است. این رشته مطالعاتی با عناوینی چون «آینده‌پژوهی» و «آینده‌نگاری» شناخته می‌شود.

### ۳. مفاهیم

#### ۳-۱. معنای آینده

مفهوم «آینده» در گفتمان آینده‌پژوهی، تنها به معنای یک مقطع زمانی پس از اکنون نیست، بلکه افقی پیچیده، چندبُعدی و گاه برساخته از مفاهیم متافیزیکی، اجتماعی و راهبردی است. آینده نه یک واقعیت یگانه و قطعی، بلکه میدانی از امکانات، انتظارات و کُنش‌هاست که در بستر زمان و در پرتو عقلانیت بشری و تحولات عالم تحقق می‌یابد. این معنا را می‌توان در دو سطح اصلی تحلیل کرد:

**الف) آینده به‌مثابه استمرار هستی در عالم مادی:** در نگاه فلسفی، زمان محصول حرکت در عالم مادی است و سه‌گانگی گذشته، حال و آینده، تنها در نسبت با این حرکت معنا می‌یابد. آینده در این برداشت، آینده ظرفیت‌های بالقوه است که بر پایه استمرار علل و اسباب مادی شکل می‌گیرد. از این منظر آینده صرفاً «نیامده» نیست، بلکه محتمل‌الوقوع است و آینده، تداوم منطقی گذشته و حال است و در سیر طبیعی علی‌اش، جهت‌گیری معینی می‌یابد.

**ب) آینده به‌مثابه برساخته اجتماعی و ذهنی:** در حوزه آینده‌پژوهی، آینده نه امری کشف‌پذیر، بلکه ساختنی و گفتمان‌محور است. جوامع با نظام ارزشی، افق‌های فرهنگی و ابزارهای فناورانه خود به آینده شکل می‌دهند. بنابراین آینده‌ها چندگانه، متکثر و متأثر از گفتمان‌های مسلط دینی و غیردینی و نهادهای قدرت، جهت آینده را تعیین می‌کنند و در نهایت آینده برای گروه‌های مختلف، معانی و مسیرهای متفاوتی دارد (تنوع آینده‌ها).

در یک نگاه جامع، آینده نه صرفاً استمرار حرکت جهان مادی در بستر علی و طبیعی و نه صرفاً برساخته‌ای اجتماعی و ذهنی است، بلکه مفهومی دوجهبی است که از تلفیق هر دو معنا

شکل می‌گیرد. در بُعد نخست، آینده به مثابه استمرار هستی در چهارچوب علیت، ضرورت‌های عقلی و سنت‌های الهی قابل فهم است. این معنا، آینده‌هایی قطعی و حتمی چون مرگ، قیامت و تحقق وعده‌های الهی را در بر می‌گیرد که از نظر فلسفی یا کلامی، وقوع آنها بر پایه علل تام یا وعده یقینی خداوند است.

در بُعد دوم، آینده بازنمایی میدان امکان‌های انسانی، فرهنگی و اجتماعی است که تحت تأثیر گفتمان‌ها، ارزش‌ها، روایت‌ها، فناوری‌ها و نهادهای قدرت شکل می‌گیرد. این آینده نه مقدر است و نه محال، بلکه مشروط و متکثر است و در قلمرو انتخاب‌ها و کنش‌های انسانی قرار می‌گیرد. از این منظر آینده چیزی نیست که کشف شود، بلکه ساختنی است.

از این رو آینده‌پژوهی کارآمد، نمی‌تواند به یکی از این دو معنا بسنده کند، بلکه نیازمند رویکردی تلفیقی است که هم به آینده‌های قطعی و طبیعی توجه دارد و هم امکان‌ها و سناریوهای اجتماعی و انسانی را به رسمیت می‌شناسد. در این میان پرسش اصلی دیگر این نیست که «آینده چه خواهد شد»، بلکه آن است که «چه آینده‌هایی ممکن هستند، کدام را می‌خواهیم و چگونه می‌توانیم آن را بسازیم؟».

## ۲-۳. انواع آینده و نسبت آنها با دو معنای پیشین

در ادبیات آینده‌پژوهی، از «آینده‌های بدیل» سخن گفته می‌شود؛ یعنی گزینه‌های متنوعی که برای آینده متصورند و هر کدام می‌توانند جایگزین دیگری شوند. در میان آنها، سه‌گونه اصلی با عناوین آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب (ر.ک به: ناظمی، ۱۳۸۵) و همچنین نوعی چهارم با عنوان آینده محتمل یا قطعی، جایگاه ویژه‌ای دارند. برای فهم دقیق‌تر این گونه‌ها، باید نسبت آنها را با دو معنای اصلی آینده، یعنی آینده به مثابه استمرار هستی مادی و آینده به مثابه برساخته اجتماعی، روشن کرد.

## ۲-۳-۱. آینده ممکن

آینده ممکن، به آن دسته از آینده‌هایی گفته می‌شود که وقوع آنها در ساحت ذهن، قابل تصور است و محال عقلی یا منطقی به‌شمار نمی‌آیند. این نوع آینده، ناظر به قلمرو

جایگاه نهادی آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی

امکان‌های ذهنی و خیالی بشر است و اگرچه ممکن است با قوانین طبیعی یا روندهای موجود ناسازگار باشد، اما از لحاظ منطقی مردود نیست. این معنا بیشتر با آینده برساخته اجتماعی و ذهنی هم‌پوشانی دارد، چراکه تصور آینده‌های گوناگون در قالب سناریوهای روایی، گفتمانی یا ارزشی در همین چهارچوب شکل می‌گیرد.

### ۲-۳-۲. آینده محتمل

آینده محتمل، آینده‌ای است که در پرتو روندهای جاری، شواهد تاریخی و شاخص‌های تجربی، احتمال وقوع بیشتری نسبت به سایر گزینه‌ها دارد. این آینده، امتدادی از گذشته و حال است و بیشتر در افق‌های کوتاه‌مدت تحلیل می‌شود. آینده محتمل، بیشتر در امتداد علیت‌های مادی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تبیین می‌شود و از این رو با هر دو معنای آینده نسبت دارد؛ از یک سو در سطح استمرار هستی مادی، ریشه در روندها و علت و معلول‌های ساختاری دارد و از سوی دیگر در سطح برساخته ذهنی، بر تحلیل روایت‌ها و پیش‌فرض‌های تحلیلی مبتنی است.

### ۲-۳-۳. آینده مطلوب یا مرجح

آینده مطلوب، آینده‌ای است که بر پایه نظام ارزشی، اهداف دینی یا هنجاری یک جامعه، ترجیح داده می‌شود. این آینده نه تنها ممکن یا محتمل است، بلکه باید تحقق یابد. تحقق آن به اراده، برنامه‌ریزی و کنش انسانی وابسته است و بیشتر در حوزه «طراحی آینده» جای می‌گیرد. آینده مطلوب از سنخ آینده‌های برساخته اجتماعی است؛ زیرا بر اساس گفتمان‌ها، اهداف و انتخاب‌های انسانی ساخته می‌شود (وندل، ۱۳۹۲، ص ۲۲-۲۳). با این حال در نظام‌های دینی می‌تواند بر آینده‌های محتوم نیز انطباق پیدا کند (مانند تحقق عدالت مهدوی به‌عنوان آینده مطلوب و درعین حال محتوم).

### ۲-۳-۴. آینده محتوم یا قطعی

آینده محتوم به آینده‌ای گفته می‌شود که وقوع آن تخلف‌ناپذیر و حتمی است. این آینده بر

پایه قوانین علی ضروری یا سنت‌های تغییرناپذیر الهی تحقق می‌یابد و فارغ از اراده و گفتمان انسان، تحقق آن تضمین شده است. آینده محتمل، نه ساختنی است و نه اختیاری، بلکه در پرتو ضرورت عقلی، سنن الهی یا وعده‌های یقینی خداوند تفسیر می‌شود. این نوع آینده، تنها در چهارچوب آینده به مثابه استمرار هستی مادی معنا دارد و با آینده برساخته، در تضاد است؛ زیرا برساختگی بر پایه گفتمان و نسبت است، در حالی که محتمل بودن بر پایه حقیقت و ضرورت. از این منظر آینده محتمل با پیشگویی‌های وحیانی، تحقق وعده‌های الهی، وقوع مرگ یا قیامت، یا حتی پیش‌بینی‌های بر پایه قواعد تخطی‌ناپذیر طبیعی پیوند دارد. در مکاتب دینی، مانند اسلام، ظهور منجی و تحقق نهایی عدالت، نمونه‌ای بارز از آینده‌های محتمل به‌شمار می‌رود (بهروزی لک، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷-۱۰۸).

نتیجه آنکه اگرچه بخش عمده ادبیات آینده‌پژوهی معطوف به آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب و در چهارچوب برساخت‌گرایی اجتماعی شکل گرفته است، اما برای نظام‌های دینی یا تمدنی همچون اسلام، باید چهارچوبی تلفیقی مدنظر قرار داد که در آن، آینده هم برساخته است و هم استمرار هستی، هم وابسته به اراده انسان است و هم منوط به سنت‌های الهی. سازوکار آینده‌پژوهی پیشنهادی در چنین دیدگاهی، باید بتواند هر دو وجه آینده را تحلیل و درک کند: هم آینده‌های احتمالی و ساختنی را بکاود و هم آینده‌های قطعی و محتمل را بشناسد و در طراحی‌های راهبردی مدنظر قرار دهد.

#### ۴. معانی آینده‌پژوهی

برای شناخت مفهوم آینده‌پژوهی، لازم است آن را از مفاهیم نزدیک و مشابه بازشناخت. آینده‌پژوهی در معانی مختلفی به‌کاررفته است که مهمترین آنها به شرح زیر است:

##### ۴-۱. آینده‌پژوهی به معنای پیشگویی و غیب‌گویی

این رویکرد کهن، بر پایه علوم غریبه و روش‌های فراطبیعی مانند نجوم، جبر، تعبیر خواب و کف‌بینی است. در این نگاه، آینده از طریق اشراق، مکاشفه یا شهود شخصی و نه تحلیل

جایگاه نهادی آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی

عقلانی و تجربی درک می‌شود. این روش‌ها، غیرقابل تکرار و غیرعلمی هستند و از این رو در آینده‌پژوهی مدرن جایگاه محدود و بحث‌برانگیزی دارند.

#### ۴-۲. آینده‌پژوهی در معنای تاریخی

این معنا ریشه در تحلیل عقلانی تحولات گذشته دارد تا بر اساس قواعد و سنت‌های تاریخی پایدار، تصویری کلان از آینده ترسیم کند. این نگاه که پیوند ژرفی با فلسفه تاریخ و پرسش از «غایت تاریخ» دارد، آینده را امتداد خطی گذشته می‌داند و بر مشابَهت وقایع تاریخی تکیه می‌کند. این رویکرد اگرچه عقل‌گراست، اما برخلاف آینده‌پژوهی مصطلح، بر تداوم گذشته تأکید دارد تا گسست از آن.

#### ۴-۳. آینده‌پژوهی در معنای فلسفی

در این معنا فیلسوفان با تکیه بر اصول عقلانی و مفاهیم بنیادینی مانند عدالت و سعادت، به طراحی «آرمان‌شهر» یا «مدینه فاضله» می‌پردازند. هدف آن، ترسیم یک آینده آرمانی و مطلوب است، نه پیش‌بینی آینده بر اساس داده‌های تجربی. این نگاه غایت‌محور و نظری، با روش‌های آینده‌پژوهی علمی متفاوت است.

#### ۴-۴. آینده‌پژوهی در معنای دینی

این رویکرد بر اساس متون مقدس و وعده‌های الهی، آینده‌ای قطعی و محتوم را ترسیم می‌کند. شناخت این آینده، از راه تفسیر آیات، روایات و اخبار آخرالزمان به دست می‌آید. این نگاه، برخلاف آینده‌پژوهی مصطلح که بر عدم قطعیت و چندگانگی تأکید دارد، به آینده‌ای یقینی و تخلّف‌ناپذیر باور دارد (بهروزی‌لک، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰-۱۱۱؛ با تصرف و تلخیص).

#### ۴-۵. آینده‌پژوهی در معنای مصطلح

آینده‌پژوهی مصطلح، حوزه‌ای علمی - کاربردی و میان‌رشته‌ای است که به مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب می‌پردازد و نه با فرض تداوم خطی گذشته، بلکه

با نگاهی گسسته، باز و چندوجهی به طیفی از سناریوهای بدیل. این حوزه، بر تحلیل داده‌ها، شناسایی روندها، کشف عدم قطعیت‌ها، طراحی سناریوها و بهره‌گیری از روش‌های کیفی و تجربی استوار است. در این رویکرد، آینده نه مسیری از پیش تعیین شده، بلکه عرصه‌ای از امکان‌هاست که می‌توان با تکیه بر ارزش‌ها و اهداف، مسیرهای ترجیحی را طراحی و برگزید (آینده را ساخت). آینده‌پژوهی، علمی است که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی و روش‌های علمی پذیرفته شده، آگاهی نسبت به فرصت‌ها و مخاطرات را افزایش داده، ابهام‌ها را کاهش می‌دهد و توانایی تصمیم‌گیری هوشمندانه برای کنش‌گران فردی و اجتماعی را ارتقا می‌بخشد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: منطقی، ۱۳۹۰). وجه متمایز این نوع آینده‌پژوهی، تمرکز بر داده‌ها و شواهد تجربی است، بی‌آنکه به‌طور الزامی در دام اثبات‌گرایی پوزیتیویستی بیفتد. از این رو آینده‌پژوهی را می‌توان هم‌زمان علم و هنر «کشف آینده» و «شکل‌دهی به آینده مطلوب» دانست. ویژگی‌های کلیدی آن عبارتند از:

۱. علمی بودن (به معنای علم تجربی)؛
  ۲. میان‌رشته‌ای بودن؛
  ۳. مطالعه نظام‌مند آینده‌ها (نه آینده واحد)؛
  ۴. گسست از نگاه خطی و امتدادی به آینده؛
  ۵. طراحی و تحلیل سناریوهای ممکن، محتمل و مطلوب؛
  ۶. شناسایی و تحلیل عدم قطعیت‌ها؛
  ۷. تمرکز بر داده‌ها، روندها و شواهد تجربی؛
  ۸. بهره‌گیری از روش‌های کیفی و تجربی؛
  ۹. تأکید بر قابلیت انتخاب مسیرهای ترجیحی بر اساس ارزش‌ها و اهداف؛
  ۱۰. مشارکت انسان در شکل‌دهی به آینده؛
  ۱۱. پیوند علم و هنر در کشف و ساخت آینده (مراد از هنر، یعنی خلق سناریوهای بدیل، تصویرسازی از آینده‌های ممکن، طراحی روایت‌های معنادار از آینده و انتخاب مسیرهای ارزش‌محور) (ر.ک: پدram و عیوضی، ۱۳۹۳، با تصرف کلی و تلخیص).
- در نتیجه آینده‌پژوهی مصطلح امروزی با تکیه بر روش‌های نظام‌مند و نگاهی گسسته‌پذیر و چندآینده‌ای، خود را از معانی تاریخی، فلسفی، دینی و غیب‌گویی متمایز می‌کند.

#### ۴-۶. معنای برگزیده از آینده‌پژوهی

باتوجه به دو معنای کلیدی از «آینده» - آینده به مثابه استمرار هستی در عالم مادی و آینده به مثابه برساخته اجتماعی - می‌توان دریافت که معنای آینده‌پژوهی نمی‌تواند تنها به یکی از این دو رویکرد محدود شود، بلکه نیازمند نگرشی تلفیقی است که هم به جنبه‌های قطعی و محتوم آینده توجه دارد و هم امکان‌ها و سناریوهای اجتماعی و انسانی را به رسمیت می‌شناسد.

براین اساس از دیدگاه نویسندگان این مقاله، معنای جامع آینده‌پژوهی در تلفیقی از دو رویکرد زیر قابل تعریف است:

از یک سو آینده‌پژوهی دینی که بر اساس متون مقدس و وعده‌های الهی، آینده‌ای قطعی و تخلف‌ناپذیر را ترسیم می‌کند. این نگاه، باور به آینده‌ای محتوم را از طریق تفسیر آیات و روایات ارائه می‌دهد. از سوی دیگر آینده‌پژوهی به معنای مصطلح که به عنوان حوزه‌ای علمی و میان‌رشته‌ای، به مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب می‌پردازد و بر نقش فعال انسان در ساخت آینده تأکید می‌ورزد.

رویکرد تلفیقی پیشنهادی، ضمن به رسمیت شناختن جنبه‌های قطعی و الهی آینده، فضایی برای کنش‌گری انسانی و ساخت آینده‌های بدیل در چهارچوب سنت‌های الهی قائل می‌شود. این نگرش هم‌زمان، هم غایت‌مدار است و هم امکان‌سنج، هم به وعده‌های الهی باور دارد و هم مسئولیت انسان در شکل‌دهی به آینده را مورد توجه قرار می‌دهد.

از این رو تعریف پیشنهادی ما از آینده‌پژوهی به این شرح خواهد بود: آینده‌پژوهی، دانشی تلفیقی و میان‌رشته‌ای است که از یک سو با اتکاب به متون مقدس و وعده‌های الهی، بر ابعاد قطعی و غایت‌مدار آینده تأکید می‌کند و از سوی دیگر، با بهره‌گیری از روش‌های علمی و نظام‌مند، به مطالعه احتمالات و مؤلفه‌های کلیدی آینده، تصویرسازی از آینده‌های مطلوب و ارائه راهبردها و تجویزهای کارآمد برای تعیین اقدامات مورد نیاز در مسیر تحقق آینده مطلوب و ترسیم چشم‌انداز آرمانی می‌پردازد.

در این تعریف، آینده هم‌زمان، هم محتوم و الهی و هم ساختنی و انسانی است.

براین اساس هر سازوکار نهادی که برای آینده پژوهی در چهارچوب حکمرانی اسلامی پیشنهاد می‌شود، باید توانایی مطالعه و تحلیل آینده در هر دو سطح را داشته باشد: هم آینده‌هایی که در افق سنت‌های الهی و قوانین هستی قرار دارند و هم آینده‌هایی که در پرتو گفتمان‌سازی، تصمیم‌سازی و کنش انسانی، قابل طراحی و جهت‌دهی هستند. این تلفیق، شرط لازم برای آینده پژوهی مؤثر، الهی و تمدن‌ساز است.

## ۵. ضرورت آینده پژوهی

از منظر آیات و روایات، آینده پژوهی نه تنها یک ضرورت عقلانی و تدبیری، بلکه امری برخاسته از تعالیم دینی برای تحقق زندگی عاقلانه، مسئولانه و الهی است. در منظومه معارف اسلامی، توجه به آینده و تدبیر برای آن، نه تنها توصیه‌ای عقلانی، بلکه ضرورتی دینی و اخلاقی است. آیات و روایات متعددی با بیانی مستقیم یا ضمنی، انسان را به اندیشه درباره فرجام کارها، ارزیابی پیامد تصمیمات و برنامه‌ریزی برای آینده‌ای سعادت‌مند فرامی‌خوانند. این تأکید فراگیر، نشان‌دهنده آن است که آینده‌نگری، جزئی جدایی‌ناپذیر از حکمت عملی و سبک زندگی ایمانی در اسلام به‌شمار می‌رود.

در این راستا، واژگان و مفاهیم کلیدی فراوانی در منابع دینی به‌کار رفته‌اند که هر یک وجهی از این نگاه آینده‌مدار را تبیین می‌کنند. مفاهیمی چون *حَزْم* (استواری در تصمیم‌گیری همراه با دوراندیشی)، *بصیرت* (بینش ژرف نسبت به حقیقت امور و پیامدها)، *فراست* (درک شهودی و دقیق آینده از طریق علائم حال)، *تدبیر* (برنامه‌ریزی سنجیده برای امور آینده)، *عاقبت‌نگری* (توجه به سرانجام اعمال) عبرت‌آموزی از گذشته (به‌منظور پیش‌بینی آینده)، همگی در بستر تعالیم دینی به‌مثابه ابزارهای تحقق آینده پژوهی عاقلانه مورد توجه هستند (برای تفصیل بیشتر رک: واعظی و قوام، ۱۳۹۹).

از سوی دیگر آینده پژوهی در حکمرانی اسلامی، نه امری تزئینی یا جانبی، بلکه لازمه بقا، پیشرفت و تمدن‌سازی در طراز انقلاب اسلامی است. نظام اسلامی بر پایه ولایت، برای آنکه در طوفان تحولات جهانی به‌درستی سکان‌داری کند، نیازمند ساختار آینده‌نگری است که با

جایگاه نهادی آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی

اتصال مستقیم به مرکز حکمت و ولایت، ظرفیت‌های ملت را برای ساخت آینده‌ای اسلامی، عادلانه و جهانی به کار گیرد. بنابراین مهمترین وظیفه رهبری، نظام سازی از طریق آینده‌نگری و در دست داشتن نبض حوادث آینده و مدیریت و جهت‌دهی آنها است.

در این باره امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشد و همواره چندقدم جلوتر از حوادث، مهبیای عکس‌العمل مناسب باشد. چه بسا شیوه‌های رایج اداره مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای اسلام باید برای این موضوع فکری بکنند (موسوی خمینی، ۱۳۶۷، ص ۲۹۲).

همچنین مقام معظم رهبری می‌فرماید:

اکنون رویش‌های انقلاب اسلامی بر ریزش‌ها غلبه کرده و نسل جوان و انقلابی در سراسر کشور، نوید بخش آینده‌ای روشن و همراه با پیشرفت هستند. این نسل نو باید بر افق‌های دور و آینده - که همان تشکیل تمدن نوین اسلامی است - متمرکز شود و فقط آینده نزدیک و جلوی پای خود را نبیند.<sup>۱</sup>

ایشان در جایی به جنبش‌های دانشجویی می‌فرماید:

لیکن اگر ما نگاه کلانی به مسائل کشور، به آینده کشور و چالش‌هایی که فراروی ملت و کشور قرار دارد، نداشته باشیم نه تنها نمی‌توانیم وظایف آینده را ترسیم کنیم، بلکه در فعالیت‌های فعلی هم احتمال سردرگمی وجود خواهد داشت. به افق دور دست نگاه کنید و ببینید چه باید کرد و چالش‌هایی که در مقابل ماست، چیست؟<sup>۲</sup>

همچنین در خطاب به بزرگان حوزه‌های علمیه می‌فرماید:

هم مدیران حوزه، هم شورای عالی حوزه، هم بزرگان حوزه، هم حضرات مراجع باید این را بدانند و به این توجه کنند که ما امروز باید به فکر حوزه قم یا اصفهان یا مشهد یا بقیه شهرها

۱. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام، در تاریخ ۱۳۹۳/۰۲/۳۱. آدرس: <https://khl.ink/f/26462>

۲. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از دانشجویان استان کرمان، در تاریخ ۱۳۸۴/۰۲/۱۹. آدرس: <https://khl.ink/f/3290>

در بیست سال آینده باشیم؛ در سی سال آینده باشیم؛ سی سال آینده یعنی چه؟ یعنی دنیایی که احتمالاً هیچ شباهتی با امروز ندارد؛ از لحاظ امکان اثرگذاری امکان تسخیر دل‌ها، امکان تسخیر سرزمین‌ها؛ این یک نکته؛ مسئله آینده‌نگری.<sup>۱</sup>

یا در جای دیگری می‌فرمایند:

آنچه نسبت به آینده باید گفت، این است که ما آینده را نمی‌شناسیم، چگونه است و از آن خبر نداریم. همه چیز مبتنی بر حدس و تحلیل است گذشته عینیات و حسیات ماست و وجود ما با همه حیاتش، آن را درک و لمس کرده است، ولی ما آینده را به حدس درمی‌یابیم. درعین حال این حدس آمیخته به اراده ماست؛ یعنی ما اجازه نمی‌دهیم که آینده، جدای از اراده و خواست ما، به جهتی حرکت کند. ما می‌خواهیم اراده خود را در آینده دخیل کنیم. این هم خاصیت انسان مؤمن باهدف است. اگر هدفی داریم و اگر مشخص است که کجا می‌خواهیم برویم و اگر تصمیم بر رفتن داریم، پس آینده قابل حدس است و این حدس ناشی از اراده ما می‌باشد. ما در این راه حرکت خواهیم کرد و البته در بین راه ممکن است حوادثی پیش بیاید و عوارض و آفات و مشکلاتی عارض بشود. همین‌هاست که یقین را به حدس تبدیل می‌کند. اگر احتمال این حوادث نبود، وقتی اراده داریم و می‌خواهیم و می‌دانیم به کجا می‌رویم، در آن صورت به یقین می‌رسیدیم، اما چون احتمالاتی هم وجود دارد به حدس تبدیل می‌شود. پس در تکوین حدسی که نسبت به آینده می‌زنیم، اراده ما دخیل است. من می‌گویم این اراده را باید آنچنان قرار بدهیم که احساس کنیم موجب رضای خداست. طبعاً حدس ما هم این خواهد بود.<sup>۲</sup>

بر پایه آموزه‌های روایات معصومان علیهم‌السلام و رهنمودهای راهبردی امامین انقلاب اسلامی، آینده‌پژوهی نه تنها یک ابزار فنی، بلکه ضرورتی بنیادین در مسیر حکمرانی دینی به‌شمار می‌آید. در منظومه فکری اسلام، تحقق جامعه‌ای سعادت‌مند، عادلانه و مبتنی بر ارزش‌های الهی، نیازمند آن است که افق آینده به درستی شناخته، طراحی و مدیریت شود. آینده‌پژوهی در

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از اساتید و فضلا و مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه کشور، در تاریخ ۱۳۸۶/۰۹/۰۸. آدرس: <https://khl.ink/f/3412>

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخست‌وزیر و اعضای هیئت دولت، در تاریخ ۱۳۶۸/۰۵/۱۸. آدرس: <https://khl.ink/f/2160>

جایگاه نهادی آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی

این چهارچوب، ابزاری برای پیش‌بینی تحولات، شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها و جهت‌دهی عقلانی به فرایند هدایت جامعه در مسیر اهداف متعالی الهی است؛ به‌ویژه در حکمرانی اسلامی بر پایه ولایت، آینده‌پژوهی می‌تواند در خدمت تحقق «هدایت راهبردی ولی» به‌سوی آینده مطلوب قرار گیرد.

## ۶. جایگاه ساختاری مرکز آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی

پاسخ به این پرسش، نیازمند تبیین یک چهارچوب نظری منسجم است که در آن، «نگرش سیستمی» به‌مثابه یک دستگاه معرفت‌شناسانه درجه دوم، رویکردی کل‌نگر، پیوسته و راهبردمحور به طراحی ساختار نهادی آینده‌پژوهی ارائه دهد. این نگرش، امکان تبیین نسبت میان آینده‌پژوهی، نظام ولایی و سازوکار حکمرانی اسلامی را فراهم کرده و بستر مفهومی لازم را برای طراحی نهادی آینده‌پژوهی در نظام اسلامی فراهم می‌آورد.

نگرش سیستمی به‌عنوان یک چهارچوب معرفت‌شناسانه درجه دوم، رویکردی کل‌نگر، منسجم و سازوار به تحلیل ساختارها و روابط درون یک نظام را فراهم می‌آورد. این نگرش برخلاف نگاه تقلیل‌گرایانه، یک پدیده یا نهاد را نه بر اساس اجزای منفرد آن، بلکه در ارتباط با فراتر ساختارهای محیطی و کلان‌تر آن مطالعه می‌کند. در نتیجه برای فهم نظام‌هایی چون دولت یا جامعه، صرف تمرکز بر زیرسیستم‌ها کارآمد نیست، بلکه باید آنها را در تعامل پیوسته با فراسیستم‌ها و ساختارهای راهبردی ناظر بررسی کرد.

در این چهارچوب، نهاد دولت در جمهوری اسلامی ایران باید نه تنها مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای اجرایی، بلکه به‌مثابه یک «سیستم پیچیده باز» تحلیل شود که برای حفظ تعادل خود، نیازمند یک نیروی متعادل‌کننده است. این نیروی تعادل‌بخش، مطابق با ادبیات نظری حاکم بر سیستم‌ها، مانع از افزایش بی‌نظمی شده و نظام را به‌سوی پایداری هدایت می‌کند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش بی‌بدیل هدایت و تعادل‌بخشی کلان نظام، برعهده نهاد رهبری است؛ نهادی که از سه منظر حقوقی، فقهی و ساختاری، جایگاهی ممتاز دارد و می‌تواند در شرایط اختلال در خودتنظیمی سیستم، مانع از بروز بی‌نظمی شده و با بازگرداندن

تبادل، استمرار پویایی و انسجام نظام را تضمین کند. از لحاظ حقوقی، این منزلت در اصول متعددی از قانون اساسی تصریح شده است. اصل ۵۷، قوای سه‌گانه را تحت نظارت ولایت مطلقه امر تعریف کرده و بندهای ۱ و ۲ اصل ۱۱۰، اختیار «تعیین سیاست‌های کلی نظام» و «نظارت بر حسن اجرای آن» را در حوزه اختیارات رهبری قرار می‌دهد. نگاه حداکثری به این اصول - که در این مقاله مورد نظر است - نیازمند تأسیس سازوکاری نهادی و تخصصی برای تحقق هدایت کلان نهاد ولایت در اداره کشور است؛ سازوکاری که نقش «مدیریت کلان ارزشی» رهبری را از سطحی مفهومی به سطحی ساختاری و کارکردی ارتقا دهد.

از منظر فقهی نیز جایگاه رهبری بر پایه ادله ولایت فقیه، مسئولیتی الهی در جهت تدبیر امور جامعه اسلامی دارد. آیت‌الله محمد مؤمن باور دارند که «مقتضای ادله ولایت، تدبیر و رعایت امور مردم به آنچه مصلحت آن‌هاست می‌باشد و اگر ولی‌امر در این وظیفه کوتاهی کند، در پیشگاه الهی معصیت‌کار خواهد بود» (مؤمن، ۱۴۳۲، ص ۴۲۰). همچنین ایشان همچنین می‌افزایند: بر ولی فقیه واجب است که مراقب اعمال کارگزاران نظام باشد تا اینکه مردم به اهداف مطلوب خود برسند (همان، ص ۳۲۷).

در همین راستا، آیت‌الله منتظری نیز تأکید می‌کند: ولی فقیه مسئول عالی و اصلی در نظام اسلامی است ... قوای سه‌گانه ایادی و کمک‌کنندگان به او هستند (منتظری، ۱۴۰۸، ص ۵۷).

و در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی آمده است: حضور رهبری در همه بخش‌های کشور، به معنای حضور سیاست‌های رهبری است که باید به دقت اجرا شود.<sup>۱</sup>

همچنین ایشان بیان می‌دارند که «رهبری ناظر بر حرکت کلی نظام است و مدیر کلان ارزشی است».<sup>۲</sup>

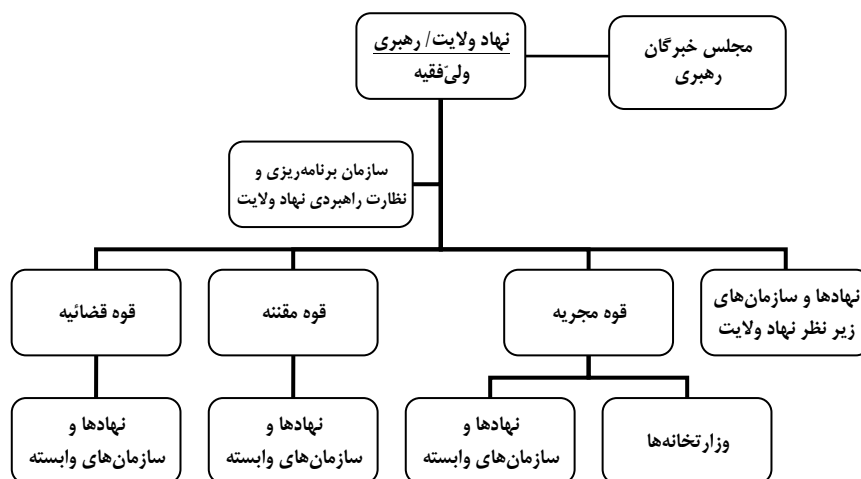
۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم اصفهان، در تاریخ ۱۳۸۰/۰۸/۰۸. آدرس: <https://khl.ink/f/3091>

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان استان کرمانشاه، در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴. آدرس:

<https://khl.ink/f/17597>

### جایگاه نهادی آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی

برهمن مبنای تحقق این هدایت نرم و راهبردی، تأسیس یک سازمان برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ذیل نهاد ولایت، توسط نگارنده پیشنهاد شده است (ر.ک به: موسوی، ۱۴۰۳). سازمانی که با مرکزی ذیل آن برای آینده‌پژوهی نظام اسلامی پشتیبانی شود. براین اساس «مرکز آینده‌پژوهی» ذیل سازمان برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رهبری، وظیفه دارد تا با استفاده از رویکردهای اکتشافی و هنجاری در آینده‌پژوهی، مسیر تحقق چشم‌انداز تمدنی نظام را طراحی و پویایی آن را رصد و تحلیل کند.



نمودار ۱: جایگاه سازمان برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی

این نهاد راهبردی می‌تواند با تدوین اسناد چشم‌انداز، سیاست‌های کلان و برنامه‌های پنج‌ساله، نقشه راه هدایت کشور را فراهم آورد و به‌مثابه بازوی دانشی و تحلیلی نهاد ولایت، تصمیم‌سازی را در سطح عالی متمرکز و اجرا را در سطوح اجرایی غیرمتمرکز سازد. به‌ویژه مرکز آینده‌پژوهی ذیل این سازمان، می‌تواند با رصد روندهای کلان، مدل‌سازی سناریوهای مطلوب و هشدار درباره انحرافات احتمالی، حرکت نظام را در مسیر اهداف راهبردی نگاه دارد.

بنابراین کارآمدی نظام جمهوری اسلامی صرفاً در گرو نظم اجرایی نیست، بلکه به‌نحوی بنیادین وابسته به شکل‌گیری سازوکار نهادینه‌ای است که سیاست‌گذاری کلان، برنامه‌ریزی

راهبردی و آینده‌نگری نظام‌مند را در تعامل با تمام دستگاه‌های نظام تضمین کرده و مسیر تحقق آرمان‌های تمدنی اسلام را در فضای جهانی پیچیده کنونی هدایت کند. با این پیشنهاد، نهاد ولایت به‌عنوان «مرکز راهبری استراتژیک نظام» از نقشی نظارتی و در برخی موارد اجرایی به جایگاهی راهبردی ارتقا پیدا می‌کند که هم روندهای جاری را می‌فهمد (اکتشافی) و هم اهداف آرمانی نظام اسلامی را در افق‌های بلندمدت طراحی و محقق می‌سازد (هنجاری). در چنین منظری، شکل‌گیری یک ساختار رسمی برای برنامه‌ریزی راهبردی و آینده‌پژوهی ذیل نهاد ولایت، ضرورتی انکارناپذیر است. این نهاد باید بتواند با رصد دقیق تحولات محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، از ابزارهای تحلیل روند، سناریوسازی و مدل‌سازی پیشرفته بهره‌گیرد و در کنار آن، بر مبنای ارزش‌ها و آرمان‌های دینی، مسیر تحقق تمدن اسلامی را ترسیم کند. این نقش، الگویی از «هدایت سیستمی غیرمتمرکز» فراهم می‌کند که در آن، تصمیم‌سازی در سطح عالی متمرکز، اما اجرا در سطح دستگاه‌های اجرایی متکثر و منسجم، انجام می‌شود.

## ۷. مزایای ساختار پیشنهادی

۱. تثبیت نقش ایجابی و نرم نهاد ولایت در معماری سیستمی کشور؛
۲. ایجاد انسجام میان برنامه‌های کلان و کاهش تعارضات سیستمی؛
۳. افزایش پاسخگویی قوای سه‌گانه نسبت به اسناد راهبردی ملی؛
۴. جلوگیری از واگرایی اجرایی و پراکندگی سیاست‌ها با محوریت مرکز آینده‌پژوهی؛
۵. بهبود بهره‌وری منابع با تمرکز بر اولویت‌های تمدنی در توسعه؛
۶. ارتقای تاب‌آوری نظام در برابر بحران‌ها با ارتقای پیش‌بینی‌پذیری و آماده‌سازی سناریویی؛

۷. ایجاد ساختار هماهنگ برای هم‌افزایی و جلوگیری از موازی‌کاری میان نهادهای آینده‌پژوه مزیت اصلی راهبردی تأسیس چنین نهادی، فراهم‌سازی بستر هماهنگی، شبکه‌سازی و رابطه دیالکتیک میان سایر مراکز آینده‌پژوهی کشور با یک مرکز مرجع است. مرکز آینده‌پژوهی ذیل نهاد ولایت، می‌تواند با نقش‌پذیری محوری، به هم‌افزایی بین‌دستگاهی بینجامد و ضمن

جایگاه نهادی آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی

جلوگیری از تکرار پروژه‌ها، انسجام دانشی کشور در عرصه آینده‌نگری را تقویت نماید. این تعامل ساختاری، سبب ارتقای کیفی خروجی‌های آینده‌پژوهی ملی، هم‌راستاسازی اهداف کلان و پشتیبانی دانش‌بنیان از تصمیم‌سازی‌های سطح عالی نظام خواهد شد.



نمودار ۲: ارتباط ساختاری مرکز آینده‌پژوهی با سایر دستگاه‌های آینده‌پژوه

در نتیجه هیچ‌یک از مؤلفه‌های سیستمی و ابزارهای آینده‌پژوهی، به‌تنهایی نمی‌توانند بار سنگین هدایت تمدنی جمهوری اسلامی را بر دوش کشند. تنها در پیوندی هدفمند و ساختاریافته میان نگاه سیستمی، ظرفیت آینده‌پژوهی و نهاد ولایت به‌عنوان رهبر راهبردی نظام است که می‌توان الگویی اثربخش و پایدار از هدایت نرم را برای ایران امروز و فردا رقم زد؛ الگویی که از «تدبیر راهبردی» عبور می‌کند و به «ساخت تمدن اسلامی» می‌اندیشد.

## ۸. تمایز بنیادین نهاد آینده‌پژوه پیشنهادی با نهادهای موجود

در این میان، باید توجه داشت که مأموریت این نهاد راهبردی، فراتر از ظرفیت و وظایف نهادهایی مانند مرکز پژوهش‌های مجلس، سازمان برنامه و بودجه و... است. نهادهایی از این دست، بیشتر دارای کارکردهای انفعالی، تطبیقی یا واکنشی هستند و در چهارچوب مأموریت‌های موجود خود، به تصمیم‌گیری در مورد اختلافات بین نهادها یا شناسایی مصالح مقطعی نظام محدود می‌شوند. حال آنکه نهاد آینده‌پژوهی مورد نظر، علاوه بر آینده‌پژوهی به معنای مصطلح، مأموریتی پیش‌نگر، فعال و تمدنی دارد؛ به گونه‌ای که باید با افق‌گشایی در سطح تمدن اسلامی، نقش‌های مسیر را ایفا کند، نه صرفاً تنظیم‌کننده تقاطعات میان دستگاہی یا مصالح آنی.

بنابراین این نهاد جدید، از اساس با نگاهی راهبردی، آینده‌ساز و تمدن‌محور طراحی می‌شود و می‌تواند خلأ نهادی موجود در سیاست‌گذاری بلندمدت، تبیین آینده مطلوب و تنظیم حرکت کشور بر مدار آرمان‌های تمدنی اسلام را پر کند؛ مأموریتی که با این عرض و طول، به هیچ وجه در نهادهای فعلی تعریف نشده و قابلیت تحقق ندارد.

### نتیجه

در جهانی که ویژگی اصلی آن شتاب، پیچیدگی و عدم قطعیت است آینده‌پژوهی دیگر یک انتخاب تجملی یا ابزاری فنی نیست، بلکه ضرورتی راهبردی برای بقای نظام‌های اجتماعی، تمدنی و به ویژه دینی است. حکمرانی اسلامی، باتکیه بر عقلانیت دینی و هدایت الهی، نمی‌تواند خود را محدود به اداره روزمره و واکنش به مسائل جاری کند، بلکه باید نگاهی پیش‌نگر، هوشمند و تمدن‌ساز به آینده داشته باشد.

در این مسیر، آینده‌پژوهی نه تنها با مبانی اعتقادی اسلام هم‌ساز است، بلکه بستری برای تحقق سنت‌های الهی در تاریخ، پیش‌بینی مسیر تحولات و طراحی راه‌های وصول به آرمان‌های توحیدی به‌شمار می‌آید. نگاه اسلامی به آینده، از جنس تدبیر است نه تقدیر؛ از جنس مسئولیت تاریخی است نه تسلیم در برابر روندها. بنابراین تلفیق عقلانیت راهبردی با

الهام از هدایت الهی، اصلی‌ترین ویژگی آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی است. پیشنهاد تأسیس مرکز آینده‌پژوهی ذیل «سازمان برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی» نهاد ولایت، به منظور نهادینه‌سازی آینده‌نگری در سطح عالی‌ترین نهاد تصمیم‌سازی نظام، پاسخی نظری و نهادی به این نیاز تمدنی است. این سازمان، با بهره‌گیری از روش‌های علمی آینده‌پژوهی و در چهارچوب نگرش سیستمی به حکمرانی، می‌تواند هم مسیرهای محتمل را بشناسد (رویکرد اکتشافی) و هم آینده‌های مطلوب را طراحی و پیگیری کند (رویکرد هنجاری).

چنین ساختاری، نظام جمهوری اسلامی ایران را از وضعیت انفعال در برابر تحولات جهانی خارج کرده و به‌گنجگری مؤثر در ساخت آینده تمدنی بشر ارتقا می‌دهد. همچنین با هماهنگ‌سازی نهادهای مختلف آینده‌پژوه کشور و ایجاد مرجعیت فکری و راهبردی، مانع از موازی‌کاری، تکرار پژوهش‌های پراکنده و انحراف از اهداف کلان می‌شود.

درنهایت کارآمدی نظام اسلامی در دهه‌های پیش رو، در گرو توانایی آن در مدیریت آینده، ساخت چشم‌انداز، تربیت نخبگان آینده‌نگر و نهادینه‌سازی عقلانیت راهبردی در بطن حکمرانی است. بدون آینده‌نگری ساختاریافته، تمدن‌سازی اسلامی ممکن نخواهد بود و بی‌ساختار آینده‌پژوهی ذیل نهاد ولایت، این آینده‌نگری پراکنده، غیراثربخش و گاه بی‌جهت خواهد بود.

بدین‌سان آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی، نه یک دانش فرعی، بلکه رکن استراتژیک تمدن نوین اسلامی است؛ رکن‌رکن تدبیر آینده بر مبنای حکمت و ولایت.

## منابع

۱. بل، وندل (۱۳۹۲). مبانی آینده پژوهی، تاریخچه، اهداف و دانش. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۲. بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۲). «مهدویت پژوهی و آینده پژوهی، تشابهات و تمایزات». مطالعات معرفتی. ش. ۱. ص ۱۰۳-۱۳۲.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir>
۴. خزائی، سعید و عبدالرحیم پدرام (۱۳۸۷). راهنمای گام به گام آینده پژوهی راهبردی. تهران: دانشگاه مالک‌اشتر.
۵. عیوضی، محمدرحیم و عبدالرحیم پدرام (۱۳۹۳). «امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اسلامی». مشرق موعود. ش ۲۹. ص ۷۹-۱۱۲.
۶. کارگر، رحیم (۱۳۸۸). «آینده‌پژوهی مهدوی». انتظار موعود. ش ۲۸. ص ۶۵-۱۰۶.
۷. ناظمی، امیر (۱۳۸۵). آینده‌نگاری از مفهوم تا اجرا. تهران: مرکز صنایع نوین وزارت صنایع و معادن.
۸. ملکی‌فر، عقیل (۱۳۹۳). الفبای آینده‌پژوهی. تهران: نشر آینده‌پژوه.
۹. منطقی، محسن (۱۳۹۰). «آینده‌پژوهی، ضرورت آینده مطالعات فرهنگی و علمی». اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. ش ۱. ص ۲۱-۶۸.
۱۰. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۸ق). دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدوله. مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة.
۱۱. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۷). صحیفه امام خمینی. ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی رضی‌الله‌عنه.
۱۲. موسوی، سیدغلامرضا (۱۴۰۲). «سازمان برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی نهاد ولایت، چیستی و چرایی آن». فقه نظام ساز. ش ۶. ص ۶۵-۸۶.

جایگاه نهادی آینده‌پژوهی در حکمرانی اسلامی

۱۳. مؤمن، محمد (۱۴۱۵ق). کلمات سدیة فی مسائل جدیدة. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۴. میچچ، پرو (۱۳۸۷). آینده‌پژوهی و مدیریت آینده. ترجمه عبدالله حیدری. تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
۱۵. واعظی، محمود و زینب‌سادات قوام (۱۳۹۹). «جایگاه آینده‌پژوهی در آیات و روایات». بصیرت و تربیت اسلامی. ش ۳۴. ص ۹۸-۷۱.